

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۵۴ • تلفن: ۵۴۰۸۸۹۳۴۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز •
تلفن: ۴۴۵۳۳۳۷۵ • چاپ: مصیم • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ • ۸ رمضان ۱۴۴۳ • ۱۰ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۵۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۷ • اذان صبح فردا ۴:۵۵ • طلوع آفتاب ۶:۱۹

# شترت

روزنامه

### هفته‌نوشت

## مگر می‌شود شانه خالی کرد و گفت به من چه؟



الهام فخاری

نفس نفس‌زان در میان گرانی‌ها و گرفتاری‌ها که سال پیش را به پایان رساندیم، هرکدام به دیگران شهادباش نوروژ گفتیم و ازروزی روزگار نو و آغازی بهتر کردیم. سخن از سالی په از پارسال به زین می‌آید؛ ولی کوینی در ذهن آدم‌ها دولی موج می‌زند. چالش‌های جهانی و گیروگیره‌های درون‌مرزی که تنش‌زا بوده‌اند، مردم را با این پریش رویه‌رو می‌کند که چه هنگام و چگونه گیروگیره‌ها گشوده می‌شود؟ چرا ما دچار فرسودگی شده‌ایم، میهن گرفتار آسیب و جهان درمانده خستگی است؟ موج رفتن جوان‌ترها یا خانه‌دوشی متخصصان، گرفتاری‌های بی‌پایان کشاورزان و تولیدکنندگان یا تنش‌های بازگانان اندوه‌بار است. از خاموشی و افسوس‌های کهن‌سالان و میان‌سالان تا سرگشتگی جوان‌ترها را هر روز می‌بینیم. آرمان‌هایی که قاپ‌هایش رنگ باخته، بازخوانی تنش‌هایی که نگذاشته‌اند به کار بیاسته و بنیادی برای خود برای ایران و برای مردم بپردازِی، فرسوده‌ت می‌کند. در این میانه که کارها و تصمیم‌های شگفت‌انگیز و هزینه‌ساز هم هر روز داستان جدیدی پدید می‌آورد، به‌راستی راه چاره چیست؟

مگر می‌شود که به هر کسی که نقدی دارد و در پی کاری است، گفته شود «ناراحتی، برو» یا به هر ضرب و زوری خاموشش کرد؟ یا مگر می‌شود هر روز در یک سستیز پنهان و پیدای درونی و بیرونی زندگی کرد و زنده بود؟ مگر می‌شود شانه خالی کرد و گفت به من/ ما چه؟

یکی از پژوهش‌گانی که سال‌هاست درباره ایران، نواندیشی، چگونگی زیستن ما ایرانیان، آموزش و دانشگاه و بهبود پژوهش می‌کند، می‌خواند و می‌نویسد، می‌آموزد و در آموزش پارگر است و همچنان راهی به روشنایی با ما در میان می‌گذارد، دکتر مقصد فراستخواه است. آیا در این وضعیتی که ما چنین در سطح کلان و خرد گرفتاریم، راهی هست؟ در جست‌وجوی راهی برای بهبود «ذهن و همه چیز؛ طرح‌واره‌هایی برای زیستن» را بازخوانی کرده‌ام. این کتاب را نشر کرگدن نخستین بار سال ۱۳۹۶ چاپ کرد. کتاب چندین بار بازچاپ و در دسته موضوعی راه و رسم زندگی و پرورش ذهن نمایه شده است. نوشته‌های ۳۰۴ صفحه‌ای است و در چهار بخش سازمان‌دهی شده است. مسئله فراستخواه در این نوشته همچنان بهبود و بازسازی خویشتن و یافتن آغازی برای این ریافت‌های نوین است. می‌پرسد اگر در آدمی توانایی آغاز هست که به باور او هست و روشن‌ترین نمودهای آن در کودکی ما بوده، چگونه می‌توان این‌ توانایی را تروتاز و به‌روز کرد، او از بایستگی فراتررفتن از رویکرد اثبات‌گرانه و تئانه‌انگاشتن کارکردهای مغز می‌گوید و فرهنگ، تاریخ و جامعه را در فرایندهای تازگی یا فرسودگی ذهنی دست‌اندکار می‌داند. پس فرسودگی‌ها و خستگی‌های امروزی ما برخاسته از ناتوانی شناختی (ذهنی) ما نیست؛ بلکه فشارهای جامعه و تاریخ و بافت هم وضعیت ما را دچار کژومژی کرده است. با این وضعیت راه چاره در این‌ گیروگیره‌ها چیست؟ آیا از اینجا به جای دیگری رفتن یا سر در لاک خویش فروبردن مسئله ایرانی ما را چاره می‌کند؟ پاسخ فراستخواه این است که سرآغاز همه آغازهای بیرونی هم از درون ما و در خود ما بوده است، آدمی بیش از هر زنده دیگری توانایی آغاز دارد و می‌تواند با آموختن و دگرگونی در شناخت و دریافت و «فهم و الثفات نویدید» خود و بیرون خود را تازه کند.

در پیشگفتار نویسنده از پنجشنبه‌ها و سه‌شنبه‌های گفت‌وگوهایی یاد کرده است که دستاوردش درک و نوشتن این نوشته را پدید آورد. او با بازشناسی ذهن می‌کوشد ساختار، کارکردها، فرسودگی و ریشه‌های انکاره‌های ذهن را بازگو کند و در گفتارهای سپسین به ذهن با رویکرد عصب‌شناسی، ذهن با رویکرد جامعه و فرهنگ‌شناسی، و ذهن در بستر تاریخ می‌پردازد. فراستخواه ذهن را در پدیدایی روندهای توسعه خویش و رویکردهای‌مان در زندگی، کانون کار می‌داند و از طرح‌های ذهن برای زیستن سخن به میان می‌آورد. چه بسا ریشه این کاستی‌های امروز ما در طرح‌های ذهنی مردمانی باشد که دمه‌ها پیش درگیر کار و زندگی بوده‌اند و چاره هم در رسیدگی به رویکردهای ذهنی امروزمان باشد. از خشودی و ناخشنودی، «نبود غم‌های عالم»، از رنج‌های راستین زندگی‌مان می‌گوید و می‌کوشد فراسوی شادی‌ها و اندوه‌های خیالی راهی به رهایی بیابد. در این نوشته نویسنده راهکارهایی برای اداره‌کردن خود در برابر ناخشنودی‌ها و فشارهای روانی پیشنهاد می‌کند و معناداند به رنج‌های‌مان را مهم می‌داند. در این روزگار که همه از بازی‌های «برد-برد» یا «سود-سود» سخن می‌گویند، همواره شمار اندکی برنده و شمار بسیاری بازنده هستند. او طرح‌هایی جایگزین پیشنهاد می‌کند.

در «ذهن و همه چیز» به کیستی (هویت)، چالش‌ها و آشفتهگی‌های هویت ملی ایرانی هم پرداخته شده است. در بخش پایانی نویسنده معنویت، دیدگاه‌ها درباره معنویت، گونه‌های خداگرا یا انسان‌گرا، اخلاقی یا فراقلاقی، فردگرا یا جامعه‌گرا را بازشناسی می‌کند و برای بهزیستی روانی و ذهنی بر پایه یافته‌های پژوهش‌ها آغازی تازه در معنویت را روشنایی بخش و راهگشا می‌داند. گرچه در نگاه نخست مسئله کانونی ما اقتصادی و مالی است؛ ولی زندگی در حال و روزمان نشان می‌دهد که در این رهگذار پیش و بیش از همه تازگی‌های درونی و معنوی زیستن‌مان بسیار آسیب‌دیده و چالش‌آفرین بوده است. بی‌پولی و تنش اقتصادی، ازدست‌دادن باورها و تهیامندان روانی را هم در پی دارد. بدون آن تازگی‌های درونی ما روزبه‌روز پرخسگرتر، درمانده‌تر، ناامیدتر و بی‌برنامه ذهنی می‌شویم. راه تازگی و بهبود و توانایی آغازی نو درون ما هست و اگر چاره‌ای برای گرفتاری‌های‌مان باشد، نیازمند ارزیابی خویش و کاری اثرخش برای تازه‌سازی درونی است. اگر نیرویی در برابر یهود هم باشد، هدف و برنامه‌اش از میان بردن همین تازگی‌ها، آغازها و بالندگی‌های ذهنی و فرسوده‌کردن چهره‌های کلیدی و مردم است.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۵۴ • تلفن: ۵۴۰۸۸۹۳۴۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز •
تلفن: ۴۴۵۳۳۳۷۵ • چاپ: مصیم • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۱ • ۸ رمضان ۱۴۴۳ • ۱۰ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۵۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۷ • اذان صبح فردا ۴:۵۵ • طلوع آفتاب ۶:۱۹

# رمضان در خانقاه

## رمضان در خانقاه

**رضا صدیق**؛ وقتی از «خانه» خود هجرت می‌کنی، در فاصله و دوری اش، بدیهاتی که در آن رشد کرده‌ای گویی نمایان می‌شوند و پربرگ و پربرگ‌تر، آیین‌ها و مناسک در این میان، چنان رنگ و لعاب می‌گیرند که خود از باور آن متعجب می‌شوی. این خصیصه متعلق به همه ایرانیانی است که خاکش را ترک کرده‌اند، بعضی به روی خود می‌آورند و بعضی برای اینکه ژست‌شان به هم نخورد در سایه تقدشان برون ریزی می‌کنند؛ اما مناسباتی مثل ماه مبارک رمضان یا ماه محرم که قرن‌ها بخش مهمی از شخصیت زندگی در خاک سرزمین ایران بوده، چیزی نیست که بتوان فراموشش کرد یا از حال و هوایش جدا شد؛ مگر اینکه چنان زنگار بسته باشد دل که دیگر نتابد آن ششعشه.

اولین سال هجرتم به ارمنستان، در تنهایی محض و در میان ارمنی‌های گرگوری، ماه مبارک رمضان در خلا گذشت، مثل باقی ایامش که گذشتش بماند برای فرصت دیگر. سال بعدش اما در مالزی و بعدش در استانبول و قونیه و اسکسشهر و بعدش در برلین و پاریس و بعدش در نجف اشرف و بعد در دمشق و حلب و سوریه و کربلا و بیروت و چند منزلگاه گذرای دیگر گذشت و قبل‌تر از تمام اینها و در ایام شباب در قونیه.

تجربه رمضان‌ها در هرکدام از این دیارها شکلی بود و شماییلی. هرکدام تبولری داشت و گفتن تک‌تک‌شان، مزید علتی است تا هم شرح فراق گفته شود و هم از نگاه آنترولوژی نقبی به آن دیارها زده شود. در روایت‌شان چون باقی روایات سفر، نظم سال‌ها را رعایت نخواهم کرد و بسسته به روایتِ ذهن پیش خواهم رفت. باید دید سفر درون برای مرور آن سفر بیرون که هنوز جاری است چه منظرگاهی را به طبع ذوقش انتخاب خواهد کرد. چند شب به شروع ماه مبارک مانده بود که به قونیه رسیدم. مصطفی رفیق شفیق و مهربان ترکم خادم یک درکه بود. ترک‌ها به خاتمه‌ای می‌گویند «درکه»، در طبقه دوم ساختمانی سرر نبش یک خیابان مانده تا قبر ملای روم، درگهی بود که مصطفی آنجا زندگی می‌کرد و به

### دغدغه

## وقتی جنگ و تورم هست و برجام نیست



سیدحسین مهرآوران

به‌محاورفتن نسبی گفت‌گوها و تأخیر در توافق احیای برجام در شرایطی که به اعلام تمامی طرف‌های مذاکره، متن توافق «تقریباً» نهایی شده، نیازمند چاره‌جویی جدی است.

به گمان این‌جانب دو مسئله تأثیرگذار بر مختصات گفت‌وگوهای پیش‌رو شامل:

الف- تهاجم نظامی روسیه به اوکراین و تأثیرگذاری آن بر بازار نفت و گاز

ب- نقش لابی اسرائیل در آمریکا در مخالفت با روند احیای توافق و دیدگاه‌های تقریباً مشابه طیف جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان و سنا در مخالفت با روند حصول توافق است.

۱- ناتوانی روسیه در تصرف اکثر شهرهای مهم اوکراین تاکنون و ارزیابی مجدد روسیه جهت تمرکز بر مناطق جدایی‌طلب اوکراین از یک سو و وابستگی حدوداً ۴۰ درصدی کشورهای عضو اتحادیه اروپا جهت تأمین گاز طبیعی به روسیه و افزایش بهای نفت و گاز در بازارهای جهانی از سوی دیگر، حاکی از آن است که این تهاجم قاعدتا نمی‌تواند به شیوه‌ای فرسایشی برای مدتی طولانی ادامه پیدا کند. به عبارتی زمان برای مذاکره‌کنندگان ایرانی جهت بهره‌بردن از مختصات جدید «نامحدود» نخواهد بود.

۲- اجماع نسبی در مخالفت با روند توافق از سوی طیف جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان و سنای ایالات متحده مسئله مهم دیگری است که نباید به سادگی از آن گذشت. تداوم فشار جهت کسب امتیازات بیشتر از سوی مذاکره‌کنندگان ایرانی در شرایطی که از یک سو تعهدی جهت دولت آتی ایالات متحده در پایبندی به توافق هسته‌ای وجود نخواهد داشت و از سوی دیگر امتیازات کسب‌شده از جانب ایران تاکنون هم با مخالفت نسبتاً جمعی طیف جمهوری‌خواه همراه بوده آیا به تزلزل بیشتر توافق در سال‌های پیش‌رو منتهی نخواهد شد؟ به عبارتی شاید بتوان از گنجاندن بعضی خواسته‌ها- که به اذعان دولت آمریکا به نحوه حضور منطقه‌ای ایران بازمی‌گردد- در چارچوب توافق هسته‌ای چشم‌پوشی کرد و در قالب مذاکراتی دیگر خواست آنها را به پیش برد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد ایجاد پیوندهای اقتصادی بیشتر و روابط تجاری با تمامی کشورهای عضو برجام از جمله ایالات متحده، امکان خروج یک‌سویه آنها را دشوارتر خواهد کرد؛ مسئله‌ای که در دور قبلی توافق به درستی در نظر گرفته نشد.

در شرایط نرخ تورم حدوداً ۴۰ درصدی و فشار شدید اقتصادی بر مهم‌همتان عزیز، شکست بن‌بست مذاکرات احیای برجام شاید مهم‌ترین اولویت پیش‌رو در سال جدید باشد.



• این شب‌ها اماآماده صالح تجرش نیز یکی از مکان‌هایی به شمار می‌آید که میزبان قدم‌های روزه‌داران شده است. عکس: امیرحسین جامه‌بزرگ، آنا

### وعده‌خوانی

## قوانین و تالاب‌ها

**امیر محمودی‌انزلیسی**<sup>∗</sup>: سال ۱۴۰۰، آخرین سال از دوره پنج‌ساله قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوّب ۰۱.۱۶.۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی) بود؛ برنامه‌ای که با قراردادان «موضوعات خاص راهبردی درمورد آب و محیط‌زیست» در صدر مسائل محوری برنامه، به دنبال ایجاد تحوّلی مدیریتی در دو حوزه چالش‌برانگیز «آب» و «محیط‌زیست» بوده است. مشخصاً اگر از میان موضوعات زیست‌محیطی طرح‌شده در برنامه، بر موضوع «تالاب»‌ها متمرکز شویم، با بند (ب) ماده ۳۸ این قانون مواجه خواهیم شد: «دولت موظّف است… جهت حفاظت از محیط‌زیست… اجرای برنامه عمل به طوری که تا پایان اجرای قانون برنامه، حداقل ۲۰ درصد از تالاب‌های بحرانی و در معرض تهدید کشور احیا شوند و ضمن حفاظت و تثبیت، در روند بهبود قرار گیرند.» اگرچه مسائلی تالاب‌ها و زیست‌بوم‌های حساس در برنامه‌های توسعه قبلی نیز مورد توجّهِ بوده، هدف‌گذاری کمتی برای عملکرد مورد انتظار را باید ابترکاری نو در زمینه قانون‌گذاری برنامه‌ای در حوزه محیط‌زیست دانست؛ موضوعی که باعث خواهد شد گزارش‌دهی کیفی در زمینه دستاوردهای زیست‌محیطی جای خود را به گزارش‌دهی کمتی مستند به اعداد و ارقام و واقعیت‌های میدانی دهد. اینک که در آستانه تدوین قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه قرار داریم، توجّه به چند نکته ضروری است:

نخست اینکه از سازمان حفاظت محیط‌زیست و مشخصاً معاونت محیط‌زیست دریایی و تالاب‌ها انتظار می‌رود جهت تئور افکار عمومی، گزارشی کمتی و البته تحلیلی از اقدامات و دستاوردهای خود در راستای عملیاتی‌کردن قانون فوق به اطلاع عموم برساند؛ با پاسخی روشن به این سؤال که «از هدف ۲۰ درصدی مقررشده در قانون برنامه، چه میزان محقق شده است؟». این کار باعث خواهد شد ضمن آگاهی‌بخشی عمومی، مشارکت خیل عظیمی از متخصصان جلب شود و از رهگذر جریان اجتماعی شکل گرفته و با واکاوی چالش‌های پیش‌رو، هدف‌گذاری گام بعدی با دقّت نظر بیشتری انجام شود و متناظر با آن، الزامات ضروری برای عملکرد بهتر از قوانین گرفته تا اعتبارات، تأمین شود.

دومین نکته، ضرورت توجّه به دو سند قانونی مهمی است که پس از قانون برنامه ششم وارد چرخه حکمرانی شده‌اند: «قانون حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌های کشور (مصوب۰۴.۰۲.۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی)» و «آیین‌نامه اجرایی آن یعنی «آیین‌نامه جلوگیری از تخریب و آلودگی فرقیابل جریان تالاب‌ها (مصوب ۱۳۹۷.۱۱.۲۷ هیئت وزیران)». این دو سند که تشکیل «ستاد ملی هماهنگی و مدیریت تالاب‌های کشور» به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور یکی از کلیدی‌ترین دستاوردهای آن بوده، با وجود نواقصی که دارند (و البته مجال بحث درباره آنها در این نوشتار کوتاه نیست)، ظرفیت قانونی ویژه‌ای در اختیار سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار می‌دهد که می‌تواند به «نهضت احیای تالاب‌های کشور»، بینجامد و طبیعتاً باید در هدف‌گذاری‌های برنامه پنج‌ساله هفتم مورد توجّه قرار گیرند. البته درمورد این اسناد نیز ارائه گزارش عملکرد سازمان حفاظت محیط‌زیست، ضروری است؛ به‌ویژه اینکه تاریخ چهارمین و آخرین جلسه ستاد ملی هماهنگی و مدیریت تالاب‌های کشور به ۱۶ فروردین ۱۴۰۰ بازمی‌گردد و بیم آن می‌رود این شگاف تقریباً یک‌ساله، روند مورد انتظار را از خلل جدی مواجه کند.

با این وضعیت، سازمان ۱۴۰۱ را باید سالی سرنوشت‌ساز برای تالاب‌های کشور دانست. البته درمورد دریاچه ارومیه که بزرگ‌ترین تالاب داخلی کشور است و به سبب وسعت پیامدهای خشکی‌اش همواره در صدر فهرست توجّه به تالاب‌ها بوده، سال ۱۴۰۱ از منظر دیگری نیز حائز اهمیت است. آن‌گونه که در پانزدهمین و آخرین جلسه کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه در تاریخ ۱۴۰۰.۰۷.۱۴ تصمیم‌گیری شده، توجّه به «برنامه‌های نرم‌افزاری پایدار» رویکرد جدیدی است که قرار است با هدف تکمیل اثربخشی برنامه‌های سخت‌افزاری، در دستور کار طرح ملی نجات دریاچه ارومیه قرار گیرد و با اقدامات انجام‌شده، قرار است سال ۱۴۰۱ سال رونمایی، ابلاغ و آغاز به کار این برنامه باشد. باید دید که وقایع سال ۱۴۰۱، سرنوشت حداقل پنج‌ساله آینده تالاب‌های کشور را چگونه رقم خواهند زد.

∗**گزارشنا س محیط زیست تالاب‌ها**

که روزی مصطفی با شرم پیشم آمد و من‌من‌کنان گفت که همان «آقاجون»‌ها گفته‌اند که این ایرانی اینجا چه می‌کند؟ چرا اینجا می‌خواهد و او شیعه است و از این حرف‌ها، شرم و سرخی در صورت مصطفی موج می‌زد.

دلّم شکست اما به روی خودم نیاوردم. همان لحظه بار و بندیل بستم و به کمک مصطفی به پیش دوستی در روستای نزدیک قونیه رفتم. عصرها با اتوبوس به قونیه می‌آمدم تا با مصطفی با هم باشیم. دلش پر بود و از یکی‌نبودن ظاهر و باطن آن جماعت می‌نالید، برایم غریبه نبود این حرف‌ها و التیام بود کلام‌مان برای هم. یادم هست که توریست‌هایی که در روز به قونیه آمده بودند، هیچ مغازه‌ای برای خرید خوراک پیدا نمی‌کردند و اگر در هیچ روزه‌خواری می‌کردند، حتی اگر توریست هم بودند، با برخورد تند مردم و رهگذران رویه‌رو می‌شدند. آنجا بود که فهمیدم قونیه مذهبی‌ترین شهر ترکیه است و هنوز تقابل میان متشرعین اهل سنت و صوفیه در اوج خود به سر می‌برد. البته حالا را نمی‌دانم؛ اما آن روزها که چنین بود. شب قدرشان بیست‌وهفتم ماه مبارک رمضان بود. با مصطفی به درگهی رفتیم و بعد از سخنرانی یکی به ترکی که مصطفی کنار گوشم به انگلیسی ترجمه می‌کرد، مجلس ذکر برپا شد. جالب اینجا بود که در اندکاشان نام امیرالمؤمنین نیز کنار لا اله الا الله قرار داشت و برای منی که سال‌ها از فضای ذکر در ایران شیعیه دور بودم، تجلی و شهودی تازه داشت؛ تجلی‌ای که در دل‌زدگی از دنیا و غربت و کوله‌به‌دوشی و هجرت و تنهایی، تلنگری بود که سال‌ها بعد از آن خود را نشان داد. همان سال‌ها که برای اولین بار ماه مبارک رمضان در نجف اشرف کنار مقبره مولانا امیرالمؤمنین مجاور شدم و هجرت کردم.

### خبرخوانی

## خانه‌ای که تصرف شد

**میترا امام**؛ هشتم اسفند ماه جاری، اوقاف که مدعی مالکیت مدرسه آفتاب در محله مشتاق کرمان هستند به آنجا رفته و در حضور دانش‌آموزان بدون توجّه به روح و روان دانش‌آموزان موجب وحشت آنها شده و اقدام به تخلیه ساختمان می‌کنند. فیلم آن در فضای مجازی موجود است.

اما از آن موقع تاکنون خبری درباره اینکه این کودکان چه شده‌اند یا کسانی که با آنها این گونه رفتار کرده‌اند آیا شرایط را برایشان جبران کرده‌اند منتشر نشده است. می‌خواهیم اندکی در این مورد تأمل کنیم.

طبق پیمان‌نامه حقوق کودک که جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۳ به آن پیوسته است، مصالح عالیه کودک باید در همه امور زندگی کودکان لحاظ شود. مدافعان حقوق کودک معتقدند که حقوق کودک یک ملاحظه برتر است. به طور مثال وقتی در محلی به مرکزی برای سالمندان و مهد کودک نیاز داریم، مسلماً اولویت با ساخت مهد کودک است.

حال در بوق و کرنای ششعاره‌ای شهر دوستدار کودک، کارمندان اداره اوقاف کرمان، وارد مدرسه آفتاب می‌شوند، مدرسه‌ای که برای تحصیل کودکان کار اختصاص داده شده است. کودکانی که از امکانات حداقلی برخوردارند و با همت بهزیستی توانسته‌اند به حق آموزش خود برسند. در حالی که متولی آموزش، آموزش وپرورش، باید به فکر تحصیل کودکان باشد.

مگر نه این است که آموزش رایگان طبق قانون اساسی ما حق همه کودکان است؟ مگر نه این است که طبق پیمان‌نامه حقوق کودک، آموزش حق همه کودکان است؟ با توجه به وضعیت خانواده کودکان کار، ادامه تحصیل برای این کودکان میسر نخواهد بود. اداره اوقاف برای ساختمان این مدرسه چه کاربرد بهتری دارد؟ با نگاهی به وقف‌نامه‌ها متوجه می‌شویم که خیلی از مدارس و مراکز فرهنگی از سنت وقف به جا مانده‌اند و با درآمد وقفیه اداره می‌شده‌اند.

حال متولیان اوقاف ما را چه شده است که بدون توجّه به چشمان اشکبار کودکان،

آنان را از مدرسه اخراج می‌کنند؟

بی‌شک تعداد زیادی از این کودکان برخلاف قانون اساسی ما و پیمان‌نامه حقوق

کودکان از تحصیل باز خواهند ماند.

آیا آموزش و پرورش نباید از ذی‌نفعان خود حمایت کند؟

چرا و چگونه چنین عمل فجیعی درمورد کودکان اعمال می‌شود؟

اگر اختلاف بین بهزیستی و اداره اوقاف است چرا تائوانش را باید کودکان بپردازند؟ امید داریم اداره اوقاف کرمان پاسخ‌گوی این مسئله باشد و آموزش و پرورش هم برای حمایت از دانش‌آموزان این مسئله را بپذیری کند.